

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه الزهراء(س)

دانشکده الهیات و معارف اسلامی
پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد
رشته الهیات گرایش فلسفه و کلام اسلامی

عنوان

معنای زندگی از دیدگاه علامه طباطبایی با رویکرد قرآن کریم

استاد راهنما

دکتر اعلاء تورانی

استاد مشاور

دکتر زهره توازیانی

دانشجو

مملکت عسکری برواتی

اسفند ۱۳۹۲

کلیه دستاوردهای این تحقیق
متعلق به دانشگاه الزهراء(س) است.

تقدیم به:

خدایی که آفرید

جهان را، انسان را، عقل را، علم را، معرفت را، عشق را

و به کسانی که عشقشان را در وجودم دمید.

با تقدیر و تشکر:

با تشکر و سپاس از استاد دانشمند و پر مایه ام جناب آقای دکتر اعلاء تورانی که از محضر پر فیض تدریسهشان ، بهره ها برده ام.

با امتنان بیکران از مساعدت های بی شائبه ی استاد مشاور سرکار خانم زهره توازیانی با تقدیر و درود فراوان خدمت مادر بسیار عزیز ، دلسوز و فداکارم که پیوسته جرعه نوش جام تعلیم و تربیت ، فضیلت و انسانیت آنها بوده ام و همواره چراغ وجودشان روشنگر راه من در سختی ها و مشکلات بوده است.

با سپاس فراوان از مهندس بهاره عسکری برادرزاده عزیزم که من را صمیمانه و سخت کوشانه یاری نمود

با تشکر از همراهی فرزند صبورم که با بردباری فراوان در انجام این پژوهش یاری ام نمود

با سپاس بی دریغ خدمت دوستان گران مایه ام خانم ها سلطان احمدی، کربلایی، پوشه که مرا صمیمانه و مشفقانه یاری داده اند.

و با تشکر خالصانه خدمت همه کسانی که به نوعی مرا در به انجام رساندن این مهم یاری نموده اند.

چکیده

در این رساله سعی شده است، تا به بررسی یکی از دغدغه های اصلی بشر امروز، یعنی پاسخ به این پرسش که «آیا زندگی معنا دار است؟» پرداخته شود. در این خصوص دیدگاه علامه طباطبایی با توجه به رویکرد قرآن کریم مورد بررسی قرار گرفته است. التزام به باورهای دینی و در رأس آنها اعتقاد به وجود خدا و جهان آخرت، زمینه ساز معنا داری زندگی از نگاه علامه، بوده و ایشان بر این باورند که انسان در صورتی به سعادت می رسد که هدفی که خداوند برای وی مقرر داشته را هدف خود قرار داده و در جهت نیل بدان، زندگی خود را حرکت دهد. به بیان دیگر از دیدگاه ایشان، غایت خداوند از آفرینش، ذات متعالی خداوند است و انسان با حرکت ذاتی و ارادی خود، مراتب وجود بسوی خداوند را سیر می کند و زندگی خویش را معنا دار می کند. در مقابل، فقدان ایده آل معنوی در زندگی یا غفلت از حضور غیب و ذات باری و در یک کلام جدا شدن از وحی و ایمان دینی، به اعتقاد ایشان، نا امید و پوچ گرایی را موجب شده و بحران های جدی ای را به دنبال خود خواهد داشت. از نگاه علامه، زندگی در علم و آگاهی، پایبندی به اخلاق و رفتار انسانی، مسئولیت پذیری در پرتو تعالیم دینی و در خدا باوری و روح توحیدی، معنا پیدا می کند و همه بی معنایی و پوچی زندگی در خود فراموشی، تفکر دنیوی، عدم درک جایگاه انسانی، دوری از اعتقاد به خدا و انسان محوری است که ارمغان تمدن غرب است.

واژگان کلیدی: زندگی، هدف، معنا، علامه طباطبایی، قرآن کریم، خدا باوری، روح توحیدی،

فهرست مطالب

فصل اول: کلیات و تعاریف	۱
۱-۱ مقدمه	۲
۲-۱ صورت کلی تحقیق	۴
۱-۲-۱ سوال اصلی پژوهش و تبیین آن	۵
۲-۲-۱ سوالات فرعی پژوهش	۵
۳-۲-۱ فرضیات پژوهش	۵
۴-۲-۱ اهداف پژوهش و ضرورت آن	۶
۵-۲-۱ برخی پژوهش های انجام شده	۸
۶-۲-۱ روش پژوهش	۹
۳-۱ پیشینه بحث معنای زندگی	۹
۴-۱ تفاسیر مختلف معنا	۱۲
۱-۴-۱ معنا مساوی هدف زندگی	۱۵
۲-۴-۱ معنا مساوی ارزش	۱۶
۳-۴-۱ معنا مساوی کارکرد	۱۷
فصل دوم: معنای زندگی	۱۸
۱-۲ معنا داری زندگی	۱۹
۱-۱-۲ دیدگاه طبیعت گرایان	۲۳
۱-۱-۱-۲ شخص گرایی	۲۳

- ۲-۱-۱-۲ عین‌گرایی..... ۲۴
- ۲-۱-۲ دیدگاه فراطبیعت‌گرایانه..... ۲۵
- ۱-۲-۱-۲ دیدگاه خدامحور..... ۲۶
- ۱-۱-۲-۱-۲ نظریه هدف الهی..... ۲۶
- ۲-۱-۲-۱-۲ نظریه عشق الهی..... ۲۶
- ۳-۱-۲-۱-۲ نظریه کمال..... ۲۷
- ۲-۲-۱-۲ دیدگاه روح‌محور..... ۲۷
- ۲-۲ نفی معناداری زندگی..... ۲۸
- ۱-۲-۲ دیدگاه نهلیسم..... ۲۹
- ۳-۲ معناداری از دیدگاه مارکسیسم..... ۳۱
- ۴-۲ معناداری از دیدگاه اگزیستانسیالیسم..... ۳۲
- ۵-۲ دیدگاه ادیان به چیستی معنای زندگی..... ۳۳
- ۱-۵-۲ مسیحیت و معنای زندگی..... ۳۵
- ۲-۵-۲ اسلام و معنای زندگی..... ۳۷
- ۶-۲ دیدگاه ائمه به چیستی معنای زندگی..... ۳۹
- ۱-۶-۲ زندگی در نگاه امیرالمومنین..... ۳۹
- ۱-۱-۶-۲ ارتباط هدف از زندگی با معنای زندگی..... ۴۰
- ۲-۱-۶-۲ معنای زندگی در پرتوی خدا محوری..... ۴۱
- ۳-۱-۶-۲ معناداری زندگی در پرتو اعتقاد به ابدیت..... ۴۳
- ۱-۳-۱-۶-۲ ارتباط دنیا و آخرت در نگاه حضرت علی (ع)..... ۴۳
- ۴-۱-۶-۲ ویژگی‌های زندگی معنادار از نظر امام علی (ع)..... ۴۵

- ۴۵.....۲-۶-۱-۴-۱ التزام به هدف خلقت.....
- ۴۶.....۲-۶-۱-۴-۲ دل نیستن به دنیا.....
- ۴۶.....۲-۶-۱-۴-۳ حرکت و پویایی.....
- ۴۷.....۲-۶-۲ معنای زندگی از دیدگاه امام حسین(ع).....
- ۴۸.....۲-۷-۲ دیدگاه بزرگان اسلامی در مورد معنای زندگی.....
- ۴۸.....۲-۷-۱ ویژگی زندگی معنا دار از دیدگاه ملاصدرا.....
- ۵۰.....۲-۷-۲ ویژگی زندگی معنا دار از دیدگاه مطهری.....
- ۵۱.....۲-۷-۳ ویژگی زندگی معنا دار از دیدگاه علامه جعفری.....
- ۵۴..... فصل سوم: معنای زندگی از منظر علامه طباطبایی با توجه به رویکرد قرآنی.....
- ۵۵.....۳-۱-۱ هدف خلقت از دیدگاه قرآن.....
- ۵۸.....۳-۲ ارزش و هدف زندگی از منظر قرآن.....
- ۶۷.....۳-۳ معنای زندگی از منظر قرآن.....
- ۶۹.....۳-۳-۱ دلایل معنا داری زندگی از منظر قرآن.....
- ۶۹.....۳-۳-۱-۱ موضوعیت داشتن زندگی.....
- ۷۱.....۳-۳-۱-۲ اهمیت کار و تلاش اقتصادی.....
- ۷۳.....۳-۳-۱-۳ روش قرآن کریم در دعوت انسان به زندگی.....
- ۷۵.....۳-۳-۱-۴ دعوت قرآن کریم به تفکر برای یافتن معنی زندگی.....
- ۷۶.....۳-۳-۱-۵ جدیت زندگی از نظر قرآن کریم.....
- ۷۹.....۳-۳-۱-۶ مسئولیت انسان در برابر اعمال خود.....
- ۸۰.....۳-۴ جهان بینی (هستی شناسی) از منظر علامه طباطبایی.....

- ۳-۴-۱ واقع گرایی خدا محور ۸۳
- ۳-۴-۲ تدبیر و هدفمندی عالم هستی ۸۵
- ۳-۵-۱ انسان شناسی از منظر علامه طباطبایی ۸۷
- ۳-۵-۱-۱ آفرینش انسان ۸۸
- ۳-۵-۱-۱-۱ مراحل خلقت انسان ۸۹
- ۳-۵-۲ مبدا وجودی انسان ۹۱
- ۳-۵-۳ فطرت کمال جو ۹۲
- ۳-۵-۴ برخورداری از فرصت های متعدد ۹۴
- ۳-۵-۵ اختیار ۹۵
- ۳-۶-۱ هدف خلقت از منظر علامه ۹۵
- ۳-۷-۱ مرگ اندیشی از دیدگاه علامه با توجه به رویکرد قرآن کریم ۹۸
- ۳-۸-۱ علامه و رویکرد قرآنی به مسئله معنای زندگی ۱۰۲
- ۳-۸-۱-۱ دین و معنا داری از منظر علامه طباطبایی ۱۰۴
- ۳-۸-۲ هدایت موجودات از دیدگاه علامه با توجه به رویکرد قرآن ۱۰۵
- ۳-۸-۲-۱ هدایت عمومی ۱۰۸
- ۳-۸-۲-۲ هدایت خصوصی ۱۰۹
- ۳-۹-۱ نفی پوچ گرایی و بی هدفی در آفرینش از دیدگاه علامه ۱۱۰
- نتیجه ۱۱۳
- بحث و پیشنهاد ۱۱۶
- منابع و ماخذ ۱۱۷

فصل اول:

کلیات و تعاریف

۱-۱ مقدمه

پرسش از معنای زندگی پرسشی به قدمت زندگی بشر است. معنا و دست یافتن به زندگی معنا دار، یکی از اساسی ترین دغدغه های آدمی است و چون انسان موجودی است که وجودش برای او مسئله است، پرسش در باب هستی را تجربه می کند. انسان با تصور خود در عالم هستی به دنبال دلیل قانع کننده ای برای ارضاء شدن خود نسبت به پوچی و یأس و ناامیدی حاکم در درون خویش و در جستجوی هدفی است که پاسخ گوئی برای بر طرف کردن سوالهای درونیش باشد. یکی از مهم ترین پرسش های بشر مربوط به معنای زندگی است.

انسان به طرق گوناگون، در مواجهه با پرسش از معنای زندگی قرار می گیرد: سوالاتی از قبیل؛ «آیا زندگی من ارزشمند است؟»، «آیا بودن بر نبودن ارجحیت دارد؟»، «چرا باید بشریت را دوست بدارم؟»، «چرا باید عزیزانم را از دست بدهم؟»، «چرا باید تلاش کنم وقتی می دانم که می میرم؟»، «آخرش که چه؟»، همه و همه سوالاتی هستند که در واقع در دل همه ی این سوالات یک مفهوم مشترک وجود دارد: «معنای زندگی من».

به این ترتیب پرسش از معنای زندگی جایگاه خاصی در زندگی انسان دارد. البته شایان ذکر است، معنای زندگی پیش از آنکه به صنف یا گروهی اختصاص یابد، با جان و درون انسان ارتباط دارد.

بنابراین از آن جایی که همیشه معنای زندگی، دغدغه وجود آدمی از دیر باز تاکنون بوده است، پژوهش های زیادی در رابطه با انسان و زندگی صورت گرفته است. در بیان چرایی و زمان طرح این سوال نزد انسان، دلایل گوناگونی بیان شده است. گروهی براین باوراند که مواجهه ی آدمی با پرسش از معنای زندگی از کودکی آغاز می شود و گروهی دیگر از این نظریه

دفاع می‌کنند که این گونه پرسش‌ها در شرایط خاص برای انسان مطرح می‌شود. در این میان بعضی از روانشناسان بر این باورند که اگر انسان با درد و رنج اجتناب ناپذیر مواجه نمی‌شد، هرگز در مقام طرح پرسش از معنای زندگی واقع نمی‌گردید. در این دیدگاه، مواجه شدن انسان با رنج‌ها، غربت وجودی، ناامیدی، احساس بی‌پناهی، از خود بیگانگی، تلخی‌ها و کاستی‌هاست که ذهن او را به سوی چنین پرسشی می‌کشاند. با این که مواجهه‌ی انسان با جنبه‌های محدود و منفی زندگی و مرگ به عنوان یک واقعیت محتوم زندگی انسان، تنها دلایل طرح این سوال‌ها نیستند، لیکن از عمده دلایل عنوان چنین پرسش‌هایی در باب معنا و هدف زندگی محسوب می‌شود. به طور کلی می‌توان گفت بحث از معنای زندگی ناشی از عطش انسان به حل راز هستی و چرایی وجود است.

اهمیت خاص این پرسش در این نکته نهفته است که پاسخ بدان، مانند پاسخ به پرسش از معنای یک جمله یا یک پدیده‌ی خاص طبیعی نیست که فقط ذهن او را کمی به خود مشغول کند و پس از زمانی کوتاه یا طولانی آن را به فراموشی بسپرد و تأثیری در روند زندگی وی نداشته باشد، بلکه زمانی که انسان به دلایل مختلف خود را در معرض این پرسش قرار می‌دهد، در واقع با چالش جدی مواجه می‌شود. چالشی که پاسخ یا عدم پاسخ به آن سراسر زندگی انسان، افکار، کنش‌ها و واکنش‌های او را تحت تأثیر قرار می‌دهد. و پاسخ چه بسا ایجابی یا سلبی، ایمانی یا الحادی که به این سوال اساسی ذهن بشر داده می‌شود، مدار زندگی او را از نقطه‌ای به نقطه‌ای کاملاً متفاوت و گاه متضاد تغییر می‌دهد.

توضیح آنکه، هنگامی که در پی یافتن معنای زندگی هستیم، در واقع برآنیم تا زندگی را ارزش‌گذاری کنیم و جایگاه خود را در هستی بیابیم. این که آیا زندگی معنایی را با خود به همراه دارد یا این که صرفاً پوچ و بی‌هویت است و اگر معنا دار است، چه چیز یا چه چیزهایی به آن معنا می‌دهد؟ آیا معنای زندگی را باید از نگاه دینی بررسی کرد، یا این که بدون توجه

به دین نیز می‌توان زندگی را معنا دار کرد؟ از جمله پرسش‌های مهمی بشمار می‌آیند که باید در حیطه بحث از معنای زندگی بدان‌ها پرداخته شود.

با توجه به اندیشه مخرب پوچ‌گرایی که در برابر معناداری زندگی، روز به روز در حال پیشرفت است، پرداختن به مقوله معنای زندگی به عنوان نیازی اساسی مطرح می‌شود. به عقیده برخی‌ها، برای زندگی انسان هدفی وجود ندارد در مقابل، عده‌ایی از متفکران عقیده دارند زندگی در بی‌معنایی خلاصه نمی‌شود.

در جهت پاسخ‌گویی به مهم‌ترین دغدغه‌آدمی و جلوگیری از افتادن در ورطه پوچ‌گرایی، این رساله در صدد است با رویکردی به قرآن کریم، به تبیین آراء علامه طباطبایی فیلسوف و متفکر برجسته معاصر پرداخته و عناصر قرآنی و مبانی فلسفی ایشان را از معنا‌داری زندگی تبیین نماید و بدین ترتیب بانی را در زمینه معنا دار ساختن زندگی بگشاید.

۲-۱ صورت کلی تحقیق

پژوهش حاضر با موضوع «معنای زندگی از دیدگاه علامه طباطبایی با توجه به رویکرد قرآنی آن»، در سه فصل تقریر گردیده است:

فصل نخست شامل پرسش‌ها، اهداف، ضروریات پژوهش و تعاریف اصطلاحات کلی در باب معنای زندگی و تفاسیر موجود از مؤلفه معنا می‌باشد.

در دومین فصل رساله، مسأله‌ی معنای زندگی و چیستی معنای زندگی در قالب دیدگاه ادیان، ائمه بزرگوار، بزرگان اسلامی و فلاسفه غرب بررسی می‌شود.

سومین فصل از رساله نیز، به بررسی آراء علامه طباطبایی در باب معنای زندگی با توجه به رویکرد قرآنی، اختصاص داده شده است.

۱-۲-۱ سوال اصلی پژوهش

دیدگاه علامه طباطبایی در باب معنای زندگی با توجه به رویکرد قرآنی چیست؟

انسان تنها موجودی است که به تبع متفکر بودن، نسبت به نقطه نهایی زندگی طبیعی اش می‌هراسد. و در صدد آن است که درباره حقایق زندگی خود اطلاعاتی بدست آورد. یافتن معنایی برای زندگی از جمله مواردی است که او را برای بر طرف کردن احساس بی معنایی و هراس از پوچی رهنمون می‌سازد.

۱-۲-۲ سوالات فرعی پژوهش

- ۱- عناصر قرآنی در تبیین علامه طباطبایی از معنا داری زندگی کدامند؟
- ۲- مبانی فلسفی علامه طباطبایی در تبیین وی از معنا داری زندگی کدامند؟
- ۳- وجه اشتراک و افتراق تبیین فلسفی علامه طباطبایی با تبیین قرآنی در چه مواردی می‌باشد؟

۱-۲-۳ فرضیات پژوهش

- ۱- فرضیه ۱- عناصر قرآنی در تبیین علامه طباطبایی از معناداری زندگی عبارتند از:
اول؛ عنایت خداوند از آفرینش، ذات متعالی خداوند است و انسان می‌تواند با حرکت ذاتی و ارادی خود، مراتب وجود به سوی خدا را سیر کرده و زندگی خویش را معنا ببخشد.
دوم؛ زندگی در راه خدا و در ارتباط با خدا می‌باشد. سوم؛ تذکر یاد خدا.
- ۲- فرضیه ۲- اصل علیت و سنخیت و وجود رابط بودن انسان و حرکت جوهری، از عناصر فلسفی در تبیین علامه از معناداری زندگی به شمار می‌رود.

فرضیه ۳- نگاهی کلی بر تبیین قرآنی فلسفی علامه طباطبایی روشن می‌سازد که نزد ایشان زندگی معنا دار با زندگی الهی پیوند یافته و این از آن جهت است که آفرینش انسان و جهان شناسی در جهان بینی الهی بر پایه یهدف و مقصود خاص می‌باشد و بنابراین چنین زندگی از هدف و غایت تهی نیست اما در باب افتراق باید گفت که نقطه افتراق آنها روشن و ظاهر است، به این معنا که تبیین فلسفی وی مبتنی بر استدلال و برهان می‌باشد ولی تبیین قرآنی وی مبتنی بر ایمان به غیب است و این یک اختلاف ظاهری است.

۱-۲-۴ اهداف پژوهش و ضرورت آن

اهداف: این پژوهش، تلاشی در بررسی و روشن نمودن وجهه ها و عوامل معنادار سازی زندگی البته با محوریت دیدگاه علامه طباطبایی و رویکرد قرآنی و فلسفی ایشان به این مسئله است تا بدین وسیله پاسخگویی به یکی از دغدغه های مهم و سرنوشت ساز زندگی آدمی که پاسخ به آن قدمتی کهن در تاریخ اندیشه بشری داشته است، انجام گیرد و از در افتادن در ورطه پوچ گرایی و تباهی زندگی دنیوی و اخروی وی جلوگیری نماید. روشن نمودن معنا داری از دل آیات قرآن کریم به عنوان کتاب هدایت نمونه روشن برای درک و عمق این موضوع می باشد و همچنین تحلیل دیدگاه فلسفی ایشان نمایانگر تاثیر تفکرات عقلانی بر ماهیت انسان از حقیقت معنای زندگی می باشد

ضرورت: از آنجا که انسان در زندگی خویش با بحران های جدی ای چون پوچی، ناامیدی، تنهایی، روبروست و با توجه به درگیری ملموس و بی واسطه با این مشکلات، یافتن راه حل عینی و ملموس برای دردهای وجودی خویش می‌طلبد. به ویژه انسان مدرن، در مقام عمل و در جریان زندگی روز مره و بالفعل خود، در صدد یافتن راه حل‌هایی برای برون رفت از واقعیت

های محتوم و تلخ خویش است. واقعیت‌هایی مانند ناامیدی، بدبینی نسبت به آینده، اندیشه‌های پوچ‌گرایانی، تفکر نهیلیستی و بی‌معنایی زندگی.^۱

بنابراین کاملاً واضح است که بحث از معنای زندگی صرفاً یک بحث نظری، فکری و فلسفی نیست؛ بلکه جنبه کاربردی دارد و ریشه بسیاری از پدیده‌های فردی و اجتماعی است. بسیاری از روانشناسان معتقدند که یافتن معنایی برای زندگی، تأثیر زیادی در بهداشت روانی و جلوگیری از آشفتگی و سر در گمی افراد دارد. که این مطلب به نقش بی‌چون و چرای داشتن معنا و هدف در زندگی به آرامش بهداشت روانی افراد تاکید دارد. فرانکل، تلاش برای یافتن معنا در زندگی را اولین نیروی محرکه در انسان می‌داند. از نظر او انسان بودن، یعنی مسئول بودن و تصمیم‌گیرنده بودن؛ یعنی فرد باید معنا و رسالت زندگی خود را در هر لحظه معین دریابد و پاسخگوی سوالاتی از زندگی با توجه به آزادی و احساس مسئولیتی که می‌کند باشد.^۲

در هر حال قدمت طرح پرسش در باب معنای زندگی از سویی و همچنین تلاش‌های متفکران حوزه‌های گوناگون معرفتی که در ادامه بدان می‌پردازیم از سوی دیگر، نشانگر اهمیت این بحث است. در مورد حوزه‌های گوناگون مسئله معنا باید بگوییم، از آن جا که معنای زندگی یکی از مهم‌ترین موضوعات فلسفی، روانشناسی و دینی است، به این موضوع از چشم اندازه‌های گوناگون معرفتی می‌توان نگریست. از این رو، در حوزه‌های مختلف، سخن از معنای زندگی به میان می‌آید حوزه‌هایی مانند فلسفه دین، فلسفه اخلاق، روانشناسی و فلسفه ارزش‌ها.^۳ که در اینجا به تبیین دو حوزه اشاره می‌پردازیم:

^۱ - امیر عباس، علی زمانی، «معنای معنای زندگی»، فصلنامه حکمت، ش ۱، سال پنجم، ۱۳۸۶، ص ۶۲.

^۲ - فرانکل، ویکتور، انسان در جستجوی معنا، اکبر معارفی، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۸۸، صص ۶۶-۷۴.

^۳ - «چشم‌اندازهای گوناگون مسأله معنا»، نقدونظر، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، حوزه علمیه قم، ۱۳۸۲، ش ۳۰، ص ۳۱۵.

یکی از مهم ترین زمینه های طرح مساله معنای زندگی، فلسفه دین است. در فلسفه دین، این سوال قابل بررسی است که دین به طور کلی یا هر یک از ادیان و مذاهب خاص، چه معنایی برای زندگی انسان و یا زندگی من به مثابه یک فرد انسانی قائل است.

در فلسفه اخلاق نیز ارتباط و نسبت میان معنای زندگی و ارزش های اخلاقی مورد بحث قرار می گیرد و مساله معنای زندگی در زمره اساسی ترین مسائل فلسفه اخلاق است. در واقع بحث از فضیلت و رذیلت در اخلاق در صورتی قابل طرح است که برای زندگی معنایی قائل باشیم.^۱

۱-۲-۵ برخی پژوهش های انجام شده

در میان پژوهش هایی که به مسئله معناداری پرداخته اند، می توان به موارد زیر اشاره کرد: یک. پایان نامه مقطع ارشد با عنوان: «بررسی تطبیقی دیدگاه ها درباره معنای زندگی (ارسطو، نیچه، علامه طباطبایی)»، نویسنده: یحیی مرنندی، راهنما: امیر عباس علیزمانی، دانشگاه قم، ۱۳۸۵.

اگرچه در بخشی از این پژوهش به دیدگاه علامه طباطبایی پرداخته شده؛ اما رویکرد آن، هم به لحاظ اینکه تطبیقی است و هم بخش محدودی از رساله بر آراء علامه اشاره دارد، با پژوهش حاضر متفاوت است.

دو. پایان نامه مقطع ارشد با عنوان: «هدف و معنای زندگی از نظر فیلسوفان نیچه و مطهری»، نویسنده: زینب واحدی، راهنما: بهجت واحدی، دانشگاه تربیت معلم، ۱۳۸۴.

^۱ - ملکیان، مصطفی، «هرکس خود باید معنای زندگی را بیابد»، فصلنامه میبد، سال اول، ش سوم، ۱۳۸۰، ص ۱۵.

این پایان نامه نیز مسئله معناداری را از دیدگاه کسانی غیر از علامه طباطبایی مورد بررسی قرار داده است و بنابراین با موضوع پژوهش حاضر تفاوت دارد.

سه. مقاله با عنوان «خدا و معنای زندگی از دیدگاه علامه طباطبایی و تدئوس متر»، نویسنده: زینب کریمی قدوسی، کتاب ماه دین، شماره ۱۶۵، تیر ۱۳۹۰.

چهار. مقاله با عنوان «معنای زندگی از نگاه علامه طباطبایی»، نویسنده: مصطفی خلیلی، اسراء، سال چهارم، زمستان ۱۳۹۰.

مقالات مذکور، در بخش هایی از پایان نامه مورد استفاده قرار گرفته است.

۱-۲-۶ روش پژوهش

پژوهش در این رساله به روش تحلیل محتوا، پدیدار شناسی، تطبیقی و... نگارنده با مطالعه منابع و استخراج اطلاعات مورد نیاز و در نهایت، تحلیل و تبیین اطلاعات بر تالیف این اثر پرداخته است.

۱-۳ پیشینه بحث معنای زندگی

انسان از آن جهت که موجودی متفکر و پرسشگر است، از چرایی هستی خود سوال می‌کند. این سوال شاید در ابتدای آسان به نظر برسد، اما به گفته بسیاری، نقطه آغازین فلسفه وجودی و سخت ترین سوال بشریت را رقم می‌زند. یکی از سوالات اساسی که در این حوزه مطرح می‌شود، این است که آدمی در مسیر زندگی خویش از چه زمانی با پرسش بنیادی "معنای زندگی چیست" مواجه می‌شود. در پاسخ به این سوال نظرات مختلفی ارائه شده است: گروهی بر این باورند که انسان در مسیر زندگی خویش در زمان های خاصی، بیشتر سنگینی

این سوال مهم را احساس می‌کند. در شرایطی که انسان با محدودیت‌ها و بدبختی‌ها دست و پنجه نرم می‌کند، با سختی‌ها و دردهای غیر قابل توجیه رویارو می‌شود و در چنین لحظاتی، مسائل، مشکلات و اهداف روزمره زندگی، ناگهان اهمیت خود را از دست می‌دهند و انسان با کلیت زندگی خود مواجه می‌شود و از ارزش، مقصود و هدف آن سوال می‌کند.

در واقع به نظر بسیاری از روانشناسان، انسانی که با درد و رنج اجتناب ناپذیر مواجه نمی‌شود، هرگز در مقام طرح این پرسش واقع نمی‌گردد.^۱

در مقابل، گروهی دیگر از این نظریه دفاع می‌کنند که انسان هیچ‌گاه از این پرسش اساسی غافل نمی‌گردد و حتی مواجهه وی با پرسش معنای زندگی، از زمان کودکی آغاز می‌شود.

«از کودکی در تاریکی و ابهام کودکانه در جست و جوی معنای زندگی هستیم»^۲

در طول تاریخ فلسفه، اندیشمندان بسیاری به تحلیل و بررسی این پرسش پرداخته‌اند و در واقع می‌توان گفت پرسش از معنای زندگی، پرسشی به قدمت عمر بشریت است.

ماهیت این پرسش در آثار فلسفی قدیم همچون آثار فلسفی یونان باستان نیز وجود داشته است؛ با این تفاوت که در دنیای قدیم اغلب به بحث معنای زندگی تحت عنوان سعادت می‌پرداختند. در این تفکر، هدف زندگی سعادت و خوشبختی انسان است و این امر میسر نمی‌شود مگر آن که انسان شکوفا شود و این شکوفایی هنگامی میسر است که قابلیت‌ها، استعدادهای فرد به فعلیت برسند و امکان تحقق آنها فراهم آید. و لذت، ثروت و قدرت نمی‌توانند به تنهایی زندگی انسان را معنا ببخشند بلکه باید همراه با ثروت غنا و کمال درونی

^۱ - اخگر، محمد علی، معنای زندگی/از دیدگاه ملا صدرا، پایان نامه کارشناسی ارشد، ص ۷.

^۲ - آدلر، آلفرد، مفهوم زندگی را دریابید، ناهید فخرایی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۳، ص ۲۳.